

راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی با تکیه بر آیات و روایات

علی حاجی‌خانی*

استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران

علی بیدسرخ‌ی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸)

چکیده

واژه فتنه یکی از پربسامدترین واژگان در شبکه مفاهیم قرآنی و روایی است که اهل لغت سه معنا را به طور کلی برای آن ذکر کرده‌اند: اول «گدازاندن در آتش»، دوم «اختبار و آزمایش» و سوم، «اضطراب و اختلال در نظم امور» که از میان این معانی، معنای دوم که همان اختبار و آزمایش است، دامنه مفهومی عام‌تری از معانی دیگر دارد، ولی با این حال، معنای سوم با مفهوم اصطلاحی فتنه که همانا حوادث اجتماعی التهاب‌آور مرتب از حق و باطل است، ارتباط بیشتری دارد. از آنجا که فتنه‌های اجتماعی آثار زیان‌آوری را در عرصه اجتماع موجب می‌گردند، مقاله حاضر در صدد است به تبیین راهکارهایی چون رجوع به معارف قرآن کریم و اهل بیت، علیهم‌السلام، و ... به عنوان راهکارهایی برای در امان ماندن از فتنه‌ها و راهکارهایی در جهت چگونگی مواجهه با این پدیده‌ها نظیر برخوردهای نرم و روشن‌گرانه و در صورت لزوم، برخورد سخت و قاطع با ایجادکنندگان و طراحان فتنه‌ها به عنوان راهکارهایی کوتاه‌مدت و تربیت اخلاقی و معرفتی افراد جامعه و تقویت اعتقادات به عنوان روش‌هایی بلندمدت به منظور مبارزه با فتنه‌های بشری در پرتو تعالیم بپردازد.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، فتنه، فتنه‌گران، اجتماعی.

* نویسنده مسئول (E-mail: ali.hajikhani@modares.ac.ir)

** E-mail: ali.bidsorkhy@modares.ac.ir

مقدمه

در طول تاریخ زندگی بشر همواره حوادثی مرکب از حق و باطل جریان داشته که سبب ایجاد ناآرامی‌ها و آشوب‌ها شده است. این حوادث که در فرهنگ اسلامی «فتنه» نامیده می‌شوند، همواره وحدت جوامع انسانی را دچار اختلال کرده که در این میان تاریخ جامعه اسلامی مملو از فتنه‌هایی است که با وجود هشدارها و اندازهایی که قرآن کریم و ائمه معصوم (علیهم‌السلام) نسبت به وقوع آنها داده‌اند، در امت اسلام روی داده است؛ فتنه‌هایی چون فتنه سقیفه که مسیر خلافت و امامت امیرالمؤمنین (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص) را منحرف کرد و تباهی‌ها و فسادها از این مدخل به جامعه نوپای اسلامی راه پیدا کرد و فتنه‌هایی چون جمل، نهروان و صفین در دوران خلافت امیر مؤمنان (ع) که هر کدام به نوبه خود سبب ایجاد فسادها و خونریزی‌ها و جلوگیری از حاکمیت از استقرار حکومت الهی شد. نمونه‌هایی از اینگونه حوادث در جامعه اسلامی می‌باشند.

در این میان، جای سؤال این است که چه روش‌هایی برای مبارزه با اینگونه حوادث وجود دارد و چگونه می‌توان از اینگونه حوادث پیشگیری کرد؟ و چه راهکارهایی برای مقابله با آن وجود دارد؟ و نیز افراد جامعه و حکومت اسلامی چه وظایفی را در خاموش کردن آتش این حوادث برعهده دارند؟

قرآن کریم به عنوان هادی بشریت همواره خطر بروز فتنه‌ها را در جوامع گوشه‌تزد نموده است و نسبت به آن هشدار داده است و ضرورت مقابله همگانی با آن را بیان فرموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بلکه همه را فرا خواهد گرفت، چرا که دیگران سکوت اختیار کردند) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد» (الأنفال / ۲۵).

فتنه در آیه شریفه فوق به معنای بلاها و مصایب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد و به اصطلاح، خشک و تر در آن با هم می‌سوزند. مفهوم آیه مبارکه آن است که افراد جامعه نه تنها باید وظیفه خود را انجام دهند، بلکه موظف‌اند دیگران را هم به انجام وظیفه وادارند؛ زیرا اختلاف، پراکندگی و ناهماهنگی در مسایل اجتماعی موجب شکست برنامه‌ها خواهد شد و دود آن در چشم همه خواهد رفت و آثار چنین مسایلی فردی و شخصی نیست (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۳۱). اثر فتنه‌های اجتماعی عوام و خواص را در بر می‌گیرد؛ خواص را به علت فتنه‌گری و گناهاشنان، و عوام را نیز به علت سکوت و پیروی از آنها. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِذُنُوبِ

الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ سِرًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ فَإِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ الْمُنْكَرَ جَهَاراً فَلَمْ يُعَيَّرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجَبَ الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ: ای مردم! همانا خداوند عموم مردم را به گناه پنهانی خواص که عموم از آن آگاه نیستند، عذاب نمی‌کند، اما هنگامی که خواص گناه خود را آشکار کنند و تغییری در عموم مردم ایجاد نشود، (یعنی مردم نهی از منکر نکنند و سکوت نمایند)، هر دو از فرقه عوام و خواص به عذاب الهی دچار می‌گردند» (مجلسی، ۴۰۴ق، ج ۹۷: ۵۷). بنابراین، سکوت و بی‌تفاوتی افراد جامعه در برابر تفرقه‌افکنان و فتنه‌گران باعث گستردگی دامنه فتنه می‌شود و در نتیجه، عواقب سوء دنیوی و آخروی آن شامل همه افراد جامعه می‌گردد. از این رو، همه مسلمانان موظف هستند که در برابر فتنه‌ها بایستند و اجازه ندهند آرامش فکری و امنیت مردم در مخاطره قرار گیرد. بنابراین، باید با بهره‌گیری از معارف قرآن کریم و سخنان معصومان (علیهم‌السلام) ضمن آشنایی با این پدیده، روش‌های مبارزه با آن را شناخت. البته اگرچه در خصوص فتنه، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی به رشته تحریر درآمده است، لیکن هیچ یک از آنها به طور مستقل راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی و غلبه بر آن را در سه بازه زمانی قبل از وقوع، کوتاه‌مدت و بلندمدت با تکیه بر قرآن و روایات مورد بررسی قرار نداده است. ضمن اینکه عمده تأکید آنها بر امر فتنه‌شناسی و پیشگیری از فتنه با تکیه بر نهج‌البلاغه بوده است که از آن جمله می‌توان به کتاب علی (علیه‌السلام) و فتنه‌ها تهیه شده توسط مؤسسه قدر ولایت، فتنه از نگاه قرآن و حدیث به قلم علی اصغر یساقی، کالبدشکافی فتنه از منظر امام علی (ع) به قلم مصطفی آخوندی و مقاله‌هایی چون «فتنه‌ها و راه‌های گریز از آنها» به نگارش علیرضا حیدری، «آیین نبوی در ریشه‌کنی فتنه‌ها» به قلم اسعد السعدانی، «ولایت و عبور از فتنه» به قلم محمدجواد نوروزی، «شیوه فرهنگی تقابل و مبارزه مسلمانان با فتنه‌گران از منظر نهج‌البلاغه» به قلم علیرضا طیبی و قدرت‌الله حسنی و در نهایت، «شیوه‌های برخورد با فتنه در نامه ۱۸ نهج‌البلاغه» به نگارش سجاد فروزش اشاره نمود. لذا این جستار در صدد است تا راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی را مستقلاً و با عنایت به شاخص‌های فوق از منظر قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار دهد.

۱- فتنه در لغت

فتنه برگرفته از ماده «فتن» [ف ت ن] می‌باشد که لغویون در فرهنگ‌های واژگانی معانی مختلف را برای آن ذکر کرده‌اند و در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

اکثر لغویان بیان کرده‌اند که کلمه «فتنه» در کلام عرب بر ابتلاء و اختبار دلالت می‌کند که اصل آن مأخوذ از عبارت‌هایی نظیر «فتنت الذهب (الفضة) إذا أدخلتها في النار لتتميز الردى من الجيد» و

عبارت‌های مشابه که به معنای «احراق طلا یا نقره در آتش به قصد ابتلاء و اختبار» می‌باشد، چنان‌که «الْفَتْن» را به معنای سوزاندن چیزی در آتش گرفته‌اند و آیه ۱۳ سوره ذاریات ﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ﴾ را شاهدی قرآنی بر معنای اولیه این ماده ذکر کرده‌اند (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۲۴ ق، ج ۸: ۱۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۴۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۶۲۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ۳۱۷ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۹۱).

در این میان، مصطفوی نظر دیگری دارد و درباره اصل معنای «فتنه» می‌نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ، هُوَ مَا يُوْجِبُ اخْتِلَالَ مَعَ اضْطِرَابٍ فَمَا أُوجِبُ هَذَا الْأَمْرَيْنِ فَهِيَ فِتْنَةٌ وَ لَهَا مَصَادِقٌ كَالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ الْإِخْتِلَافِ فِي الْأَرَءِ وَ الْعُلُوفِ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَذَابِ وَ الْكُفْرِ وَ الْجَنُونِ وَ الْإِبْتِلَاءِ وَ غَيْرِهَا: يَعْنِي أَسْلَاصَ الْمَادَّةِ چِيزِي اسْتِ كِه مَوْجِبِ اخْتِلَالِ وَ اضْطِرَابِ گِردد کِه دارای مصادیقی چون اموال، اولاد، اختلاف در دیدگاه‌ها، در زیاده‌روی در امور عذاب، کفر، جنون و آزمایش است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۴-۲۳).

در بین معانی گفته شده ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و می‌توان این معانی را از باب قاعده محسوس به معقول تلقی کرد که در ابتدا این ماده برای مفهوم محسوس به کار رفته است و به تدریج معانی معقول و معنوی را نیز شامل شده است، اما در بین معانی گفته شده معنای دوم که همان اختبار و آزمایش است دارای دامنه مفهومی عام‌تری از معانی دیگر است، به طوری که سایر معانی را نیز در بر می‌گیرد. با این حال، معنای سوم (اختلال و اضطراب در نظم امور) با معنای اصطلاحی ارتباط مفهومی بیشتری دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم اصطلاحی فتنه

علامه طباطبائی (ره) درباره معنای اصطلاحی «فتنه» می‌فرماید: «فتنه عبارت از این است که بعضی از امت با بعضی دیگر اختلاف می‌کنند در امری که تمامی امت حقیقت امر را می‌فهمند که کدام است، ولیکن یک دسته از قبول آن سرپیچی، و آگاهانه به ظلم و منکر اقدام می‌کنند و آن دسته دیگر هم که حقیقت امر را قبول کرده‌اند، آنان را نهی از منکر نمی‌کنند و در نتیجه، آثار سوء آن دامنگیر همه امت می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۶۴).

علامه جعفری (ره) در تعریف موقعیت فتنه‌انگیز می‌فرماید: «موقعیت فتنه‌انگیز عبارت است از فعالیت‌ها و هیجانات آشوبگرانه درباره حوادث و واقعیت‌هایی که دارای ابعاد مرگب از حق و باطل می‌باشند. لذا دو پدیده مزبور (هیجان و فعالیت) موقعی جنبه فتنه بودن پیدا می‌کنند که با هدف‌گیری

ایجاد آشوب به جریان بیفتند، نه برای تشخیص و تفکیک حق از باطل» (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۳: ۷۳). همچنین می‌توان گفت «فتنه در اصطلاح به حوادث پیچیده‌ای می‌گویند که ماهیت آن روشن نیست و ظاهری فریبنده دارد و باطنی مملو از فساد که جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهی، عداوت، دشمنی، جنگ، خونریزی و فساد در اموال و اعراض می‌کشاند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۳۸). بنابراین، ماهیت اصلی فتنه را حوادث مرکب از حق و باطل تشکیل می‌دهد که با درونمایه آشوب و هیجان همراه است و جامعه را به سوی اضطراب سوق می‌دهد و فساد و تباهی را در عرصه زندگی اجتماعی انسان‌ها پدید می‌آورد و در این شرایط، شناخت حق و باطل و تمییز بین این دو برای عامه مردم دشوار می‌گردد.

از آنجایی که فتنه‌های اجتماعی در سطح جامعه آثار زیانباری بر جای می‌گذارند، ضروری است راه‌های در امان ماندن از اینگونه حوادث را بشناسیم و برخورد صحیح و مبارزه با آن را از منظر قرآن کریم و اهل بیت، علیهم‌السلام، که بنا بر حدیث شریف ثقلین، هادیان انسان‌ها از گمراهی هستند، بشناسیم. برای تبیین روش‌های مبارزه با فتنه، دو مسأله باید مورد بررسی قرار گیرد؛ اول شیوه‌های در امان ماندن از فتنه‌ها و دیگری شیوه‌های مقابله با آنها که در ادامه مقاله به تبیین مسایل مذکور خواهیم پرداخت.

۳- شیوه‌های در امان ماندن از فتنه

در قرآن کریم و احادیث شریف راه‌هایی برای در امان ماندن از فتنه‌ها ارائه شده است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین این راه‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱) رجوع به قرآن کریم

پناه بردن به قرآن کریم انسان‌ها را از فرو افتادن در ظلمات و تاریکی نجات می‌بخشد. قرآن نسخه‌ای است که تمام بیماری‌های فردی و اجتماعی بشر را بهبود می‌بخشد و کسی را که به آن پناه ببرد، هدایت خواهد کرد. از این رو، در روایات آمده است که هنگام بروز فتنه‌ها و برای در امان ماندن از آنها به قرآن پناه ببرید. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ: هنگامی که فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک به شما روی آورند، بر شما باد (روی آوردن به) قرآن» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۱۷۱).

فتنه‌ها یکی از بیماری‌هایی هستند که در عرصه زندگی اجتماعی انسان‌ها ظهور و بروز می‌کنند که شفا و درمان آنها را باید در قرآن جستجو کرد. خدای متعال در بسیاری از آیات کریمه، قرآن را وسیله

هدایت مؤمنان، شفا دهندۀ همه دردهای بشر و رحمت برای مؤمنان معرفی فرموده است؛ برای مثال در سوره مبارکۀ اسراء می‌فرماید: ﴿وَتُنزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید ﴿(الاسراء/۸۲). با همین مضمون در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس /۵۷).

مفسران مراد از «شفا بودن قرآن» را درمان بیماری‌های روحی انسان نظیر حسد، کینه، بخل و... همچنین عقاید فاسدی نظیر کفر و شرک و نفاق و عنوان کرده‌اند (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۱: ۳۲۸ و طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۱۰). علامه طباطبائی درباره علت شفاء نامیده شدن قرآن می‌نویسد: «قرآن کریم با حجت‌های قاطع و براهین ساطع خود، انواع شک و تردیدها و شبهاتی را که در راه عقاید حق و معارف حقیقی می‌شود، از بین برده، با مواظب شافی خود و داستان‌های آموزنده و عبرت‌انگیز، مثل‌های دلنشین، وعده و وعید، انذار و تبشیر و احکام و شرایع خود، با تمام آفات و عادات دلها مبارزه نموده، همه را ریشه‌کن می‌سازد. بدین دلیل، خداوند قرآن را شفای دل مؤمنین نامیده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳: ۲۵۳). نیز در تبیین مراحل شفای قلوب به وسیله قرآن می‌نویسد: «قرآن در اولین برخوردش با مؤمنین آنان را چنین درمی‌یابد که در دریای غفلت فرورفته‌اند و موج حیرت از هر سو به آنان احاطه یافته است و در نتیجه، باطن آنان را به ظلمت‌های شک و ریب تاریک ساخته است و دل‌هایشان را به انواع رذایل، صفات و حالات خبیثه بیمار ساخته، لذا با مواظب حسنه اندرزشان می‌دهد و از خواب غفلت بیدارشان می‌کند و از هر نیت فاسد و عمل زشت آنان را نهی نموده، به سوی خیر و سعادت و ادار می‌سازد و در مرحله دوم، شروع می‌کند به پاکسازی باطن آنان از هر صفت خبیث و زشت و به طور دایم آفات را از عقل آنان و بیماریها را از دل آنان یکی پس از دیگری زایل می‌سازد تا جایی که به کلی رذایل باطنی انسان‌های مؤمن را زایل سازد. در مرحله سوم، آنان را به سوی معارف حقه، اخلاق کریمه و اعمال صالحه دلالت و راهنمایی می‌کند، آن هم دلالتی با لطف و مهربانی، به این معنا که در دلالت خود رعایت درجات را می‌کند و به اصطلاح دست آدمی را گرفته، پا به پا می‌برد و او را منزل به منزل نزدیک می‌کند تا در آخر به سرمنزل مقربین رسانده، به فوز مخصوص به مخلصین دستگار سازد» (همان، ج ۱۰: ۱۱۸).

در روایات نیز بر ویژگی شفا بودن قرآن برای دلها تأکید شده است؛ به عنوان نمونه امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلٰی لَأْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ

الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْعَيُّ وَ الضَّلَالُ: پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری طلبید که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر، نفاق، سرکشی و گمراهی هست» (نهج‌البلاغه/خ ۱۷۶). در جای دیگر نیز می‌فرماید: «وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ: از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است» (همان/خ ۱۱۰).

بنابراین، بدیهی است که قرآن شفا دهنده دل‌ها و افکار است و انسان‌ها باید شفای فکری و عملی خود را از قرآن جویند و نیز از آنجا که فتنه‌های بشری غالباً بر اثر علل انگیزشی، احساسات، هواهای نفسانی و نیز بر اثر علل نگرشی که همان انحرافات فکری و عقیدتی است، قرآن کریم در هر دو جنبه به درمان علل ایجاد این پدیده اجتماعی می‌پردازد.

علامه جوادی آملی (مدّ ظلّه) درباره شفای نظری و عملی بودن قرآن می‌فرماید: «قرآن کریم همه ضعف‌ها و مرض‌هایی را که مربوط به حکمت نظری است، با برهان شفا می‌دهد و همه مرض‌هایی را که مربوط به حکمت عملی است، با تهذیب و تصفیه دل بهبود می‌بخشد. همه بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی انسان را درمان می‌کند؛ جهل را که بدترین بیماری روانی است، با علم درمان می‌کند، شک را با یقین، اندوه را با آرامش، ترس را با طمأنینه و امید، و اضطراب و نگرانی از آینده را با عزم و ثبات برطرف می‌سازد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳۶).

بنابراین، قرآن کریم از طریق شفای عملی و نظری به درمان و پیشگیری از بیماری‌های فکری و عملی جامعه می‌پردازد و از این طریق، از شکل‌گیری فتنه‌ها جلوگیری می‌نماید و کسی را که به معارف آن چنگ زند، از آسیب‌های آن مصون می‌دارد و پیروی از معارف آن سبب روشن‌بینی و شناخت صحیح فتنه‌ها می‌گردد، رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبَيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِفَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْذَاتِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالٌ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ: قرآن راهنمای از هر گمراهی و ضلالت است و بینایی از هر کوری است و رهایی از افتادن در لغزش‌هاست و نوری در هر تاریکی و در حوادث روزگار (و بدعت‌ها) است و نگهدارنده از (افتادن) در هلاکت است و هدایت و صلاحی در هر گمراهی و بیان‌کننده هر فتنه و رساننده (انسان) از (پستی‌های) دنیا به آخرت و در آن کمال دین شماست. کسی از قرآن منحرف نشد، مگر آنکه به سوی آتش رفت» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۲: ۶۰۰).

۲-۳) پیروی از اهل بیت (علیهم‌السلام)

تمسک به قرآن کریم در صورتی می‌تواند انسان‌ها را از فتنه‌ها نجات بخشد که همراه با تمسک به اهل بیت باشد. اهل بیت، علیهم‌السلام که عدل قرآن و ثقل اصغرند، پیروی از فرمایش ایشان جوامع را از گرفتاری در گمراهی و فتنه‌ها باز می‌دارد، چنان‌که رسول خدا (ص) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي: ای مردم در میان شما چیزی را می‌گذارم که اگر آن را بگیرید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ (و آن کتاب خدا و دیگری عترتم و اهل بیتم است» (متقی‌الهندي، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۷۲).

از آنجا که هنگام فتنه‌ها امور حق و باطل بر انسان‌ها مشتبه می‌گردد، بهترین راه برای عدم گمراهی پیروی از اهل بیت، علیهم‌السلام، می‌باشد که در روایات فراوانی تأکید شده است که مردم برای عدم گمراهی و نیفتادن در مرداب فتنه از اهل بیت، علیهم‌السلام، پیروی نمایند. امیر مؤمنان علی (ع) راه بیرون آمدن از فتنه‌ها را پیروی از اهل بیت معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ: ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم شکنید» (نهج‌البلاغه / خ ۱). اشاره حضرت به فرمایش رسول خدا (ص) است که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوْحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ: آگاه باشید، مثل اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح است کسی که بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که تخلف ورزید، غرق گردید» (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۱۵۱). علی (ع) در جایی دیگر خطاب به مردم پس از فتنه جمل فرمود: «فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فِإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَسَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ مَذَاقَةَ مَرِيرَةٍ: اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهیم برد، هرچند سخت و دشوار و پر از تلخی‌ها باشد» (نهج‌البلاغه: خ ۱۵۶).

بنابراین، پیروی از ائمه اطهار، علیهم‌السلام، و فرمایش ایشان و امام‌قراردادن آنان در تمام امور، اعم از فردی، اجتماعی و سیاسی، انسان‌ها را از فرو افتادن در فتنه‌ها و تلاطم‌های اجتماعی باز می‌دارد و آنها را از گمراهی نجات می‌بخشد.

۳-۳) عمل براساس تقوا

یکی دیگر از راه‌های در امان ماندن از فتنه‌ها، تقوای الهی و عمل بر اساس آن می‌باشد. تقوا در لغت از ریشه «وَقِيَ» و به معنی «وقایه» یعنی نگه داشتن چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند و در

اصطلاح شرع، به معنای خودنگهداری از چیزی است که به گناه می‌انجامد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۸).

از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) روایات فراوانی در معنای تقوا آمده است؛ از جمله «التَّقْوَى حِصْنٌ لِمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ: تقوا حصارى و دژى است استوار برای کسی که به او پناه بُرد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۰). بنابراین می‌توان گفت، تقوا عاملی است که انسان را از افتادن در گناه مصون می‌دارد و به کسی که به تقوا پناه برد، ایمنی می‌بخشد. در آیات بسیاری از قرآن کریم به نقش تقوا و اهمیت آن و نیز به تأثیر تقوا در ایجاد بصیرت در هنگام فتنه‌ها اشاره دارد. خدای متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَا سَأَهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾. پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند ﴿(الأعراف ۲۰۱).

در جایی دیگر به نقش تقوا در ایجاد آگاهی و تشخیص حق و باطل اینگونه اشاره شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای برای جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد، (یعنی روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آموزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است ﴿(الأنفال ۲۹).

این اثر عجیب تقوا در ایجاد روشن‌بینی و ادراک امور در بسیاری از روایات و آیات دیگری نیز آمده است؛ به عنوان نمونه در سوره مبارکه بقره می‌دهد: ﴿...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ...﴾ از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد... ﴿(البقره ۲۸۲). امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌فرماید که آن حضرت فرمودند: «إِتَّقُوا مِنَ فِرَاسَةِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ: از فراست و هوش (ایمانی) مؤمن بپرهیزید؛ زیرا مؤمن با نور الهی می‌بیند» (ابن صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۵۴). بنابراین، تقوا به مؤمن بینش می‌بخشد که او می‌تواند حقایق امور را درک نماید و حق و باطل را در هنگام آمیختگی آنها با هم بشناسد و بین آنها را تمیز دهد. از این رو، امیرالمؤمنین علی (ع) درباره تقوا در رهایی از فتنه‌ها می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلَمِ وَ يُخَلِّدُهُ فِيمَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَ يُنْزِلُهُ مَنَزِلَ الْكَرَامَةِ عِنْدَهُ: آگاه باشید آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از

فتنه‌ها نجات می‌یابد و با نور هدایت الهی از تاریکی‌ها می‌گریزد و به بهشت و آنچه که دوست دارد، جاودانه دست می‌یابد» (نهج‌البلاغه / خ ۱۸۳).

بنابراین، رعایت تقوای الهی و عمل مطابق آن می‌تواند انسان‌ها را از فتنه‌ها و تاریکی‌های آن نجات دهد و آنها را در فضایی که گرد و غبار آن همه جا را فراگرفته، هدایت نماید. هنگامی که انسان تقوای الهی را در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی و سیاسی رعایت نماید، خداوند بینشی بدو عطا خواهد کرد که به موجب آن حقّ و باطل را به ساده‌ترین شیوه بشناسند و بدان وسیله انسان‌های دیگر را از فروافتادن در فتنه‌ها بر حذر دارند.

۳-۴ بصیرت

از دیگر راه‌هایی که انسان در پرتو آن می‌تواند از تاریکی‌های فتنه مصون بماند و در پناه آن از آسیب‌های فضای فتنه در امان بماند، بصیرت و آگاهی داشتن و بینش صحیح از امور و مسایل است. بصیرت در اصطلاح فرهنگ قرآنی عبارت است از قوه‌ای که در قلب شخص به نور قدسی منور بوده که فرد بصیر به وسیله آن حقایق امور و اشیاء را درک می‌کند، همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صورت‌ها و ظواهر چیزها را می‌بیند (ر.ک؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۶۳).

بنابراین، بصیرت موجب تشخیص درست واقعیت‌ها و امور می‌گردد و از آنجا که امور حقّ و باطل به هنگام فتنه‌ها به هم مشتبه می‌شوند و همین امر باعث بروز آسیب‌های زیادی برای جامعه می‌گردد، بصیرت می‌تواند انسان را از تلاطم امواج فتنه برهاند و به آنها نوعی از مصونیت عطا نماید و بصیر شخصی است که بتواند در فتنه‌ها حق را از باطل بشناسد و موضع مناسب را در هنگام وقوع آن با بهره‌گیری از تقوای الهی و معرفت کامل بگیرد.

در قرآن کریم و روایات به نقش و اهمیت بصیرت در تشخیص حقّ و باطل اشاره شده است؛ مثلاً قرآن کریم درباره‌ی ارزش بصیرت می‌فرماید: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند (فاطر/۱۹) و در جایی دیگر از زبان رسول خدا (ص) می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ بگو: این راه من است. من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم (یوسف/۱۰۸).

در روایات ائمه معصوم، علیهم‌السلام، نیز به نقش بصیرت و اهمّیت آن و نیز توصیه‌هایی در جهت بصیرت یافتن برای نیفتادن در مرداب فتنه‌ها اشاره شده است. امیر مؤمنان علی (ع) درباره ویژگی‌های فرد بصیر می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعَيْبِ ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالَ فِي الْمَعَاوِي: انسان بصیر و بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد. پس به درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت‌ها پند گرفت. سپس راه روشن را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره‌راه‌ها دوری کرد». (نهج‌البلاغه / خ ۱۵۳). در این فراز، امام علی (ع) به عوامل پیدایش بصیرت اشاره فرموده است؛ عواملی مانند تفکر و اندیشه، دقت در امور، پند گرفتن از عبرت‌ها و حرکت در مسیر واضح و روشن. بنابراین، فرد بصیر از کنار حوادث و رویدادها بی‌توجه و گذرا عبور نمی‌کند و نسبت به حوادث دارای قدرت تحلیل و تجزیه است و از آنها برای حوادث آینده عبرت می‌گیرد. حضرت در جایی دیگر درباره نقش بصیرت در هنگام فتنه ناکشین می‌فرماید: «وَ قَدْ فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ: هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله‌ور شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه، بااستقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند» (همان / خ ۱۷۳). همچنین حضرت به بصیرت خویش در فتنه‌ها چنین اشاره می‌فرماید: «إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ وَ لَا لَيْسَ عَلَيَّ وَ إِنِّيهَا لِلْفِتْنَةِ الْبَاغِيَةِ فِيهَا الْحَمَأُ وَ الْحُمَّةُ وَ الشُّبُهَةُ الْمُغْدِفَةُ: همانا آگاهی و حقیقت‌بینی با من همراه است. نه حق را از خود پوشیده داشتم و نه بر من پوشیده بوده. همانا ناکشین (اصحاب جمل) گروهی سرکش و ستمگرند، خشم، کینه، زهر عقرب و شبهه‌هایی چون شب تاریک در دل‌های ایشان وجود دارد» (همان / خ ۱۳۷).

امام علی (ع) با این بصیرت ممتاز خود، همگان را دعوت به بصیرت و هوشیاری در برابر فتنه و فتنه‌گران فراخوانده‌اند و آنها را از افتادن در دام فتنه‌گران بر حذر داشته‌اند. ایشان مسلمانان را به کیاست در برابر فتنه‌ها فرامی‌خوانند و از آنها می‌خواهند که علم بدعت نشوند: «فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ وَ أَعْلَامَ الْبِدَعِ: سعی کنید که شما بر چشم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید» (همان / خ ۱۵۱).

بیان حضرت بدین معنی اشاره دارد که در هنگام وقوع فتنه‌ها هوشیار باشید که فتنه‌گران از شما به هیچ وجه و طریق سوء استفاده نکنند؛ یعنی در فتنه‌ها انسان ضمن اینکه نباید بی‌تفاوت باشد، بلکه باید به گونه‌ای موضع گیرد که فتنه‌گران عملکرد و سخنانش را دستاویز مقاصد خود قرار ندهند، نه اینکه بی‌تفاوت باشد و فتنه‌گران بتوانند او را هدایت و مدیریت کنند. بنابراین، از عوامل مهمی که نقش

بسازی در برون رفتن از فتنه و در امان ماندن از تلاطم آن دارد، بصیرت و هوشیاری است. انسان در پرتو تقوا، تعقل و پندگیری از مسایل پیرامون به قوه‌ای دست می‌یابد که او را از درافتادن در فتنه‌ها مصون می‌دارد و در پرتو آن می‌تواند افراد کم‌بصیرت را نیز هدایت کند و آنها را نسبت به عملکرد فتنه‌گران و شناخت حق و باطل آگاه سازد و بدین ترتیب، به تمام جامعه این شناخت سرایت خواهد کرد و کل اجتماع در پرتو بصیرت از آسیب‌های فتنه در امان می‌ماند.

پس از بیان راهکارهای در امان ماندن از غبار فتنه‌ها، مسأله مهم این است که هنگام بروز فتنه‌ها در سطح جامعه چه کارهایی باید صورت گیرد. در این بخش به پاره‌ای از مهم‌ترین وظایف جامعه اسلامی در برابر فتنه و فتنه‌گران در قالب شیوه‌های مبارزه کوتاه‌مدت و بلندمدت پرداخته می‌شود.

۴- شیوه‌های مبارزه کوتاه‌مدت

به هنگام بروز فتنه در جامعه باید از روش‌های منطقی و کوتاه‌مدت در رویارویی با این پدیده اجتماعی استفاده گردد که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۴-۱) برخورد نرم و روشن‌گرانه از سوی خواص

یکی از وظایف مهمی که خواص جامعه و افرادی که قدرت بینش سیاسی و اجتماعی دارند، اینکه در هنگام وقوع فتنه و مشتبه شدن امور حق و باطل به روشنگری افکار عمومی بپردازند و زوایا و ابعاد فتنه را روشن نمایند و با اندازها و هشدارهای خود حق و حقیقت را یاری دهند. سیره امام علی (ع) گویای همین امر است. آن حضرت از سویی به نصیحت فتنه‌گران می‌پرداخت و از سوی دیگر، زوایای فتنه را برای عموم مردم تشریح می‌فرمود؛ یعنی در ابتدا نخست به نصیحت فتنه‌گران و هدایت آنها می‌پرداخت و طبق آیه شریفه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (التحل / ۱۲۵)، فتنه‌گران و فریب‌خوردگان را به راه حق دعوت می‌فرمود و آنها را از عواقب کارشان بر حذر می‌داشت و از سوی دیگر، نسبت به افرادی که از بصیرت کافی برخوردار نبودند، به روشنگری و هدایت فکری آنها می‌پرداخت. برای نمونه حضرت در نامه‌ای به مردم کوفه، درباره فتنه ناکثین پرداخت و ماهیت سران فتنه‌گر ناکثین را چنین افشا نمود: «أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُثْمَانَ حَتَّى يَكُونَ سَمْعُهُ كَعْيَانِهِ إِنَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ فَكُنْتُ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ اسْتِعْتَابَهُ وَ أَقَلُّ عِتَابَهُ وَ كَانَ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ أَهْوَنُ سَيْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَ أَرْفَقُ حَدَائِهِمَا الْعَنِيفُ وَ كَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فَلْتَةٌ

عَضَبٍ فَأَتِيحَ لَهُ قَوْمٌ فَفَتَلُوهُ وَبَايَعَنِي النَّاسُ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ: همانا شما را از کار عثمان چنان آگاه می‌دهم که شنیدن آن چنان دیدن باشد. مردم بر عثمان عیب گرفتند و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشتم و کمتر به سرزنش او زبان گشودم. اما طلحه و زبیر آسان‌ترین کارشان آن بود که بر او یورش برند و او را برنجانند و ناتوانش سازند. عایشه نیز ناگهان بر او خشم گرفت، عده‌ای به تنگ آمدند و او را کشتند. آنگاه مردم بدون اکراه و اجبار با من بیعت کردند» (نهج‌البلغه / ن ۱).

بنابراین، تبیین حقایق از وظایف مهمّ خواص جامعه و همه کسانی است که قدرت تحلیل درست از مسایل دارند. نخبگان سیاسی و اجتماعی در این شرایط بزرگترین وظایف را بر عهده دارند، همانگونه که در جنگ صفین عمّار یاسر بزرگترین نقش را در تبیین و روشنگری و زدودن غبار تردید از جلوی چشم مردم داشت. مقام معظّم رهبری (مدّ ظلّه العالی) تبیین حقایق را وظیفه اصلی نخبگان و خواصّ جامعه برمی‌شمرد و می‌فرماید: «یکی از کارهای مهمّ نخبگان و خواص (در فضای فتنه) تبیین است تا حقایق را بدون تعصّب روشن کنند بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی. در جنگ صفین یکی از کارهای مهمّ جناب عمّار یاسر تبیین حقیقت بود. ایشان از این طرف جبهه به آن طرف جبهه می‌رفت و برای آنها صحبت می‌کرد و حقایق را روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت» (خامنه‌ای: ۵ / ۱۳۸۸). ایشان در جایی دیگر در این باره می‌فرمایند: «به نظر من وظیفه خیلی سنگین و بزرگ است. مهم‌ترین وظیفه (در شرایط فتنه) هم تبلیغ و تبیین است: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (الأحزاب/۳۹). حقیقتی را که درک می‌کنید، آن را تبیین کنید، چون در حوادث فتنه‌گون شناخت عرصه دشوار است و شناخت ظالم و مظلوم و دوست و دشمن دشوار است و شناخت مهاجم و مدافع دشوار است» (همان: ۶/۱۴ / ۱۳۸۸).

بنابراین، تبیین حقایق و روشنگری در فضای فتنه و از سویی، نصیحت فتنه‌گران و فریب‌خوردگان از وظایف مهمّ خواصّ جامعه و افراد با بصیرت می‌باشد و عموم افراد جامعه نیز باید با پیروی از این خواص، با بصیرت و هوشیاری نسبت به حوادث پیرامون و ملاک قرار دادن حقّ و حقیقت، راه صحیح را بیمایند و در خاموش کردن آتش فتنه و آشوب بکوشند.

۲-۴) برخورد سخت و قاطعانه از سوی حکوت اسلامی

هنگامی که با روشنگری‌ها و نصایح مرز بین فتنه‌گران و فریب‌خوردگان روشن شد و با تبیین حقایق، فریب‌خوردگان دست از حمایت فتنه‌گران کشیدند. اگر فتنه‌گران و پیروانشان دست از

فتنه‌جویی و آشوب در جامعه برداشتند، ناگزیر جامعه اسلامی با چنین افرادی باید برخوردی سخت و قاطعانه داشته باشد و نگذارد عرصه جامعه بیش از پیش صحنه آشوب و التهاب‌آفرینی شود.

اگر فتنه به مرحله‌ای از آشوب و التهاب برسد که زندگی عادی مردم و حیات آنها را تحت تأثیر قرار دهد، در این موارد وظیفه همه افراد جامعه است که به مقابله سخت با این فتنه‌گری‌ها بپردازند. قرآن کریم در باره این مرحله از فتنه دستور مقاتله با فتنه‌گران را صادر نموده است و می‌فرماید: ﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُخْرَجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أُخْرَجُوا كَمَا أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُفَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ: و آنها را [= مکه] که بُت‌پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند، هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از آنجا [= مکه] که شما را بیرون ساختند، آنها را بیرون کنید و فتنه (و بُت‌پرستی) از کشتار هم بدتر است و با آنها در نزد مسجد الحرام (و در منطقه حرم) جنگ نکنید! مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران! ﴿ (البقره/ ۱۹۱). همچنین می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ: و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بُت‌پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید؛ زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست (البقره/ ۱۹۳).

اکثر مفسران فتنه در این آیه را به معنای شرک و یا کفر دانسته‌اند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۱ و صادقی طهرانی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۰۰). از آنجا که یکی از مراتب شرک، شرک در ربوبیت تشریحی خداوند و مخالفت با قوانین الهی و پذیرش قوانین غیرالهی است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ب: ۵۷۸-۵۹۱)، می‌توان گفت کسانی که در برابر حکومت حقه اسلامی و قوانین آن، جامعه اسلامی را دچار آشوب و فتنه می‌سازند و بدون توجه به نصایح علمای دین راه فتنه‌گری را می‌پیمایند، چاره‌ای جز برخورد سخت با آنان وجود ندارد.

بنابراین، اگر فتنه‌گری فتنه‌جویان به مرحله سلب امنیت و آرامش برسد، خدای متعال امر به مقاتله و برخورد با آنها کرده است. علامه جعفری در این باره می‌نویسد: «گاهی فتنه به مرحله‌ای از فساد می‌رسد که هر گونه انحطاط و بدبختی‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این مرحله نه تنها اصول و قوانین انسانی متزلزل می‌گردد و ارزش‌ها متلاشی و هدف و وسیله‌ها در هم می‌ریزد، بلکه حیات انسان‌ها در خطری که کرانه‌ای ندارد، غوطه‌ور می‌گردد. این نوع فتنه به هر وسیله‌ای است باید مرتفع

گردد، اگر چه به وسیله کشتار بوده باشد» (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۳: ۹۶). بنابراین، خاموش کردن فتنه در این مرحله نه تنها وظیفه تمام افراد، بلکه اقدام نکردن بر ضد فتنه‌گران جایز نیست و مخالفت با فرمان خدای متعال می‌باشد. به همین سبب است که امیرالمؤمنین علی (ع) مقابله با فتنه‌گران ناکثین، مارقین و قاسطین را که دست به شمشیر برده بودند و به جنگ مسلحانه بر ضد حکومت حقه اسلامی پرداخته، افراد بسیاری را کشته بودند، وظیفه شرعی خود دانسته، تخلف از آن را کفر تلقی می‌نمایند. ایشان به هنگام شروع جنگ صفین می‌فرمایند: «پس از بیعت عموم مردم مسأله جنگ با معاویه را ارزیابی کردم. همه جهات آن را سنجیدم تا آنکه مانع خواب من شد. دیدم چاره‌ای جز یکی از این دو راه ندارم؛ یا با آنان مبارزه کنم و یا آنچه را محمد (ص) آورده انکار نمایم. پس بدین نتیجه رسیدم که تن به جنگ دادن آسانتر از تن به کفر پروردگار دادن است و از دست دادن دنیا آسانتر از رها کردن آخرت است» (نهج البلاغه / خ ۵۴).

بنابراین، پس از آنکه نصایح و روشنگری نتوانست فتنه‌گران را از ادامه اعمال فتنه‌جویانه خود و بر هم زدن نظم عمومی جامعه اسلامی بازدارد، همه افراد جامعه اسلامی وظیفه دارند با رعایت قواعد و قوانین اسلامی و پیروی کردن از امام عادل در برابر اعمال فتنه‌گرانه و آشوب‌طلبانه بایستند و اجازه ندهند امنیت و آسایش عمومی امت دچار خدشه و آسیب گردد.

۵- شیوه‌های مبارزه بلندمدت

از آنجا که فتنه‌ها بر اساس علل و زمینه‌های بسیاری و عموماً در درازمدت شکل می‌گیرند، ضروری است که جامعه اسلامی در خشکاندن زمینه‌های آن کوشش نماید، تا ریشه‌های فتنه‌گری از بین برود و در آینده جامعه اسلامی دچار آن نگردد. در این بخش به تعدادی از مهم‌ترین کارهای زیربنایی و بلندمدت که جامعه اسلامی وظیفه دارد آنها را انجام دهد تا از بروز فتنه در آینده جلوگیری نماید، اشاره می‌کنیم.

۵-۱) تربیت اخلاقی جامعه

یکی از علل مهم در زمینه‌سازی برای فتنه، دنیاگرایی و هواهای نفسانی به عنوان عامل انگیزشی است. امیرالمؤمنین علی (ع) هوای نفس را آغاز پدید آمدن فتنه‌ها برشمرده است و می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأُ وَفُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ: همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها هواهایی است که تبعیت می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج

۱: ۵۴) و در جایی دیگر امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ؛ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَ طُولَ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يُضِدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ: همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم، تبعیت از هوای نفس و آرزوهای طولانی، همانا هوای نفس و تبعیت از آن از حق جلوگیری می‌کند و آرزوهای طولانی سبب فراموشی آخرت می‌شود» (همان، ج ۲: ۳۳۶).

قرآن کریم یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اکرم (ص) را تزکیه و تربیت مردم معرفی می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: اوست که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند﴾ (الجمعه ۲/۲). در آیه فوق هدف بعثت نبی اکرم (ص) در سه امر خلاصه شده که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است و دو قسمت دیگر، یعنی تربیت، تهذیب و تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت دو هدف نهایی را تشکیل می‌دهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۰۷). مسأله‌ای که در این رابطه باید بیان شود، این است که نیمی از شخصیت ما را عقل و خرد تشکیل می‌دهد و نیمی را غرایز و امیال به همین دلیل ما به همان اندازه که به تعلیم نیاز داریم، نیاز به تربیت هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرایز درونی ما باید به سوی هدف صحیحی رهبری شوند. لذا پیامبران هم معلم‌اند، هم مربی، هم آموزش‌دهنده‌اند و هم پرورش‌دهنده (ر.ک؛ همان).

بخشی مهم از عملکرد انسان‌ها در صحنه جامعه، حاصل علل و عوامل انگیزشی و اخلاقی آنهاست. آنچه که مستقیماً در رفتار انسان تأثیر می‌گذارد، عوامل درونی است. این عوامل را می‌توان با آگاهی‌ها و تمرین (و تربیت) در اختیار گرفت، تضعیف یا تقویت آنها نمود و بر تأثیرشان افزود و یا از تأثیرشان کاست و آنها را زدود و یا پایدار ساخت (ر.ک؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۱۷). بنابراین، از آنجا که عمده علل ایجاد فتنه، ریشه در اخلاق درمان‌نشده دارد، ضروری است که جامعه در جهت تزکیه و تربیت اخلاقی قدم بردارد. در این صورت است که ریشه بسیاری از امراض نفسانی و فتنه‌گری‌ها خشکانده می‌شود و صحنه جامعه از عطر فضایل اخلاقی آکنده می‌گردد.

۵-۲) تقویت اعتقادات

از آنجا که یکی دیگر از علل ایجاد فتنه‌ها، ریشه در علل نگرشی و معرفتی دارد و به عبارتی، ریشه بسیاری از بدعت‌ها را عدم معرفت کامل به اصول و ارزش‌ها تشکیل می‌دهد، به‌طوری‌که بسیاری از افرادی که در فتنه‌ها گرفتار می‌شوند و فریب فتنه‌گران و طراحان آن را می‌خورند، از نظر اعتقادات و باورها از سطح پایینی برخوردارند و اینگونه افراد در مواجهه با فتنه‌ها و آزمایش‌ها مغلوب می‌شوند و دچار سستی و رخوت در اعتقادات می‌گردند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾: بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبی آنان بسیار ضعیف است) و همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند، اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر روی می‌آورند!) (بدین ترتیب، هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را و این همان خسران و زبان آشکار است) (الحج / ۱۱).

امیرمؤمنان علی (ع) نقش ناآگاهی افراد در فتنه‌ها را چنین بیان می‌فرماید: «إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ [تَعَالَى] رَجُلَانِ رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَىٰ نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ مَشْغُوفٌ بِكَلَامِ بَدْعَةٍ وَ دَعَاءِ ضَلَالَةٍ فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ بِهِ ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مُضِلًّا لِمَنْ افْتَدَىٰ بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ وَ رَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا مُّوَضَّعٌ فِي جُهَالِ الْأُمَّةِ عَادٍ فِي أَعْبَاشِ الْفِتْنَةِ عَمَّ بِمَا فِي عَقْدِ الْهُدْيَةِ قَدْ سَمَّاهُ أَشْبَاهَ النَّاسِ عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ بَكَّرٌ: دشمن‌ترین آفریده‌ها نزد خدا دو نفرند: مردی که خدا او را به حال خود گذاشته و از راه راست دور افتاده است، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده، به فتنه‌انگیزی می‌کشد و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است. بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی‌های خود نیز می‌باشد و مردی که مجهول‌های به هم بافته و در میان انسان‌های نادان امت، جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی‌های فتنه فرو رفته و از مشاهده صلح و صفا کور است. آدم‌نماها او را عالم نامیدند که نیست» (نهج‌البلاغه / خ ۱۷).

بنابراین، ضعف در اعتقادات سبب می‌شود که افراد استعداد بیشتری برای انحراف از مسیر الهی داشته باشند و اگر باورهای افراد بر پایه‌های درست و متقن قرار گرفته باشد، احتمال تزلزل در فتنه‌ها

کاهش می‌یابد، ولی اگر شناخت افراد از دین بدون علم و آگاهی از قرآن و سنت پیامبر (ص) صورت گیرد و افراد باورهای خود را بر اساس گفته‌های مردم استوار سازند، در این صورت، هنگام بروز فتنه‌ها به همان صورتی که بدون آگاهی و دانش وارد دین شده بودند، به همان صورت نیز از دین خارج می‌گردند و از عقاید خود بازمی‌گردند و دچار تزلزل می‌گردند. از امام کاظم و امام صادق، علیهما السلام، نقل شده که فرمودند: «مَنْ دَخَلَ فِي الْإِيمَانِ بِعِلْمٍ، ثَبَتَ فِيهِ، وَ نَفَعَهُ إِيْمَانُهُ، وَ مَنْ دَخَلَ فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ، خَرَجَ مِنْهُ كَمَا دَخَلَ فِيهِ: هر کس با علم در ایمان داخل شود، در آن ثابت قدم خواهد بود و اگر به غیر علم وارد شده باشد، همان‌گونه نیز از آن خارج خواهد شد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۴). از امیر مؤمنان علی (ع) نیز نقل شده که فرمودند: «مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرَّجَالِ أَزَالَتْهُ الرَّجَالُ وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ زَالَتْ الْجِبَالُ وَ لَمْ يَزُلْ: هر کس دین خود را از زبان مردمان بگیرد، همان مردم او را از دین دور خواهند کرد (و دین او را تغییر می‌دهند)، و هر کس دین خود را از کتاب و سنت بگیرد، کوه‌ها متزلزل می‌شوند، ولی این چنین فردی متزلزل نمی‌شود» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۳۲).

مولی صالح مازندرانی در شرح این روایت می‌نویسد: «يَجِبُ عَلَى الْمُتَمَسِّكِ بِدِينِ الْحَقِّ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا عَالِمًا بِوُجُوهِ الْمَصَالِحِ وَ الْمَفَاسِدِ ذَا بَصِيرَةٍ كَامِلَةٍ فِي التَّمْيِيزِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ لِيَكُونَ ثَابِتًا رَاسِخًا فِيهِ بِحَيْثُ لَا يُغَيِّرُهُ رِيَّاحُ فِتْنِ الْمُخَالِفِينَ وَ لَا يُحَرِّكُهُ صَرَصَرُ شُبُهَاتِ الْمُعَانِدِينَ: واجب است بر کسی که به دین حق تمسک می‌جوید که عالم و آگاه به وجوه مصالح و مفاسد (در دین) باشد و دارای بصیرتی کامل در شناخت و تمییز حق و باطل باشد، به طوری که در دین راسخ گردد و بادهای فتنه مخالفان او را دگرگون نسازند و شبهات دشمنان اسلام او را از ثبات در دین نلرزاند و حرکت ندهند» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۲: ۳۹). در صورتی که شناخت و باورهای افراد از دین بر اساس معیارهای قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) نباشد، فتنه‌ها آنها را از مسیر الهی خارج می‌گردانند و افراد نمی‌توانند از پیامدهای منفی آن مصون بمانند، چنان‌که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنَ الْقُرْآنِ، لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَ: هر کس امر ما (ولایت اهل بیت) را از قرآن نشناسد، راه نجات و خلاصی در فتنه‌ها ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۷). نیز از آن حضرت روایت شده که «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَ: هر کس حق را از قرآن نشناسد، راه نجاتی در فتنه‌ها ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۴۲). بنابراین، اهمیت تقویت اعتقادات بر مبنای آموزه‌های قرآن و عترت به عنوان راهکاری بلندمدت برای مبارزه با فتنه‌ها و علل شکل‌گیری آنها روشن می‌گردد و این راهکار به همراه تقویت اخلاق و معنویت نقش بسزایی در جلوگیری از فتنه‌ها ایفا می‌کنند.

بنابراین، اهمیّت تقویت اعتقادات بر مبنای آموزه‌های قرآن و عترت به عنوان راهکاری بلندمدت برای مبارزه با فتنه‌ها و علل شکل‌گیری آنها روشن می‌گردد و این راهکار به همراه تقویت اخلاق و معنویّت نقش بسزایی در جلوگیری از فتنه‌ها ایفا می‌کنند. در این راستا، اهمیّت و نقش تعلیم و تربیت نیز در تقویت مبانی اعتقادی روشن می‌گردد. علامه جعفری در این باره می‌نویسد: «مادام که اهمیّت تعلیم و تربیت برای تفکیک حق از باطل به مردم جوامع اثبات نشود و مادام که گردانندگان جوامع عامل سازنده تعلیم و تربیت را به طور قوی از نظر اهداف و طرق مناسب آنها در متن اداره اجتماع قرار ندهند، نه تنها کوشش‌ها و تکاپوهای رهبران و پرچمداران اخلاق و پیشتازان مذهب انسان‌ساز عقیم و بی‌نتیجه خواهد ماند و نه تنها کاری از دست کوشندگان بهداشت روانی و اصلاح روانی انسان‌ها از طرق علمی برنخواهد آمد، بلکه هر روزی که بر تاریخ بشر خواهد گذشت، دردهای پیچیده‌تری بر دردهای خود خواهد افزود» (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۱۲). سپس ایشان در ادامه می‌نویسند: «اگر جوامع به عامل سازنده تعلیم و تربیت برای تفکیک حق از باطل اهمیّت حیاتی قایل می‌شدند، مردم با کمال اشتیاق به زندگی با مبانی حق که در اعماق درونشان زبانه می‌کشد، برای تشخیص حق از باطل می‌کوشیدند و در این کوشش به آن همه استعداد متنوع که در تشخیص واقعیات در قلمرو انسان و جهان از خود بروز داده‌اند، پاسخ می‌دادند، قطعاً موفق می‌شدند، مخصوصاً با نظر به اینکه دو نیروی فوق‌العاده عالی عقل و وجدان و حقایق بسیار عالی و سازنده‌ای که به وسیله پیامبران الهی و اولیاءالله و حکمای راستین همواره در اختیار انسان‌ها بوده، می‌تواند بهترین بهره‌برداری را از آنها بنمایند» (همان).

بنابراین، از آنجا که از مهم‌ترین وسایل و روش‌های فتنه‌گران، تضعیف ارزش‌های الهی است و اصولاً راهبرد دشمنان برای ضربه زدن به جامعه اسلامی، ضربه به ارکان اعتقادی و اصول اساسی و ارزشی جامعه است، علمای اسلام باید هر چه بیشتر در جهت تقویت اعتقادات مردم بکوشند و در این راستا، در تقویت باورهای مربوط به خداشناسی، نبوت‌شناسی و امام‌شناسی و دیگر مبانی اعتقادی به خصوص در عصر ما، ولایت فقیه و تشریح مبانی حکومت اسلامی قدم بردارند.

نتیجه‌گیری

از آنچه در مقاله حاضر گذشت، نکات زیر قابل استنتاج است:

۱- رجوع به معارف بلند قرآن کریم و اهل بیت، علیهم‌السلام، عمل کردن بر اساس تقوا و داشتن بصیرت سیاسی و اجتماعی در پرتو معارف دین از راه‌های در امان ماندن از خطرهای فتنه‌های اجتماعی می‌باشد.

۲- برای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی باید از دو راهکار کوتاه‌مدت و بلندمدت بهره جست که در این میان وظیفه‌ی خواصّ جامعه است که با روشنگری و هدایت افکار عمومی، در جهت کاهش فضای غبارآلودی که بر اثر فتنه ایجاد شده است، قدم بردارند و توده‌های فریب‌خورده را هدایت نمایند و شبهه‌های آنها را با تأمل پاسخ گویند و معیارهای صحیح برای شناخت حق از باطل را برای آنها تبیین کنند.

۳- در صورتی که پس از تبیین حقایق که به وسیله‌ی نخبگان جامعه صورت می‌گیرد، طراحان اصلی فتنه دست از اقدام‌های فتنه‌جویانه خود برداشتنند، در این میان، وظیفه‌ی حکومت اسلامی است که با بهره‌گیری از تمام امکانات و بسیج عمومی در مقابل فتنه‌جویی این افراد با قاطعیت بایستد.

۴- از آنجا که وقوع فتنه‌ها متأثر از ریشه‌ها و عوامل انگیزشی در درون افراد که همان هواهای نفسانی است و نیز متأثر از عوامل نگرشی که همان انحراف‌های فکری و عقیدتی است، جامعه اسلامی باید با تربیت اخلاقی و تزکیه و نیز تقویت اعتقادات و باورها به عنوان راهکارهای بلندمدت به منظور ریشه‌کنی فتنه‌ها قدم بردارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. ترجمه آیه‌الله مکارم شیرازی.

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.

ابن صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق.). *بصائر الدرجات*. چاپ دوم. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی.

ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. چاپ هفتم. بیروت: دار الصادر.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). *تحریر الحکم و دُرر الکلیم*. تحقیق سید مهدی شجاعی. چاپ دوم. قم: دار الکتاب الإسلامی.

جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۸). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. چاپ چهارم. بی‌جا: انتشارات فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قرآن در قرآن*. چاپ سوم. قم: مرکز نشر اسراء.

- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی‌تا). *مستدرک الصحیحین*. تحقیق یوسف بن عبدالرحمن المرعشی. بی‌جا: بی‌نا.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشّیعه*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- خامنه‌ای، علی. «بیانات مقام معظم رهبری»؛ ۵ / ۵ / ۱۳۸۸ و ۱۴ / ۶ / ۱۳۸۸؛ www.khamenei.ir.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دار العلم الشّامیه.
- _____ . (۱۳۶۹). *المفردات فی غریب القرآن*. ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی. تهران: انتشارات مرتضوی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مقدمه محمد جواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۴ق.). *العین*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر من وحی القرآن*. چاپ دوم. بیروت: دار الملائک للطباعة و النّشر.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۶۷). *قاموس قرآن*. چاپ پنجم. تهران: اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مازندرانی، محمدصالح. (۱۳۸۲ق.). *شرح الکافی؛ الأصول و الروضه*. تحقیق ابوالحسن شعرانی. چاپ اول. تهران: المکتبه الإسلامیه.
- متقی‌الهندی، علاء‌الدین بن حسام‌الدین. (۱۴۰۹ق.). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مصباح، مجتبی. (۱۳۸۸). *بنیاد اخلاق (روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق)*. چاپ ششم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم*. بی‌جا: بی‌نا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۳۸۱). *پیام امام امیر المؤمنین*. چاپ اول. تهران: دارالکتب العلمیة.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). *فرهنگ قرآن*. قم: بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی